

بررسی جلوه‌های معشوق در اشعار شمس مغربی

جواد غلامعلی زاده^۱، مژگان بیات کشکولی^۲

۱- استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه زابل

چکیده

عشق زیباترین و در عین حال پیچیده‌ترین پدیده‌های هستی است، که از دیرباز در شرح آن قلم‌فرسایی‌ها کرده‌اند. یکی از انواع مهم شعر، شعر غنایی است و ادبیات عرفانی یا ادبیات صوفیه نیز قسمتی از ادبیات غنایی محسوب می‌شود که ارکان اصلی آن را عشق، عاشق و معشوق تشکیل می‌دهند، صحبت عشق خداست که شعر عرفانی را رنگ عاشقانه می‌دهد. از جمله شاعران عارف، شمس الدین محمد مغربی (۷۳۶-۷۵۶ هجری) است که علی‌رغم استفاده از زبانی قوی و استوار در بیان افکار عرفانی حضور نامش در ادبیات عرفان کم رنگ است، کنار رفتن غبار فراموشی از چهره بزرگانی این چنین علاوه بر افزودن برگ زرینی بر گذشته‌های درخشان ادبیات، در تنویر افکار این بزرگان نقش بسزایی دارد، به ویژه که گاه پرده‌ی زبان رمزگونه عاشقانه بر عمق معنای عرفانی افکنده شده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی درصدد است تا جلوه‌های معشوق را در اشعار فارسی و عربی شمس مغربی در قالب توصیف زیبایی-های کلی، ویژگی‌های ذاتی معشوق آسمانی و تأکید بر جنسیت معشوق مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که شمس در اشعارش به ترتیب به ویژگی‌های ظاهری (۶۰٪)، ویژگی‌های ذاتی معشوق آسمانی (۲۸٪)، تأکید بر جنسیت معشوق (۸٪) و ویژگی‌های رفتاری (۳٪) توجه خاصی نشان داده است، همچنین توصیف (رخ) از ویژگی‌های ظاهری با بسامد (۱۲۶) بار تکرار بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است.

کلید واژه: ادبیات عرفانی، معشوق، شمس مغربی، ویژگی‌های ظاهری، رفتاری و ذاتی معشوق آسمانی.